

نامه آیت الله طاهری به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله رب العالمين و صلوات الله و سلامه على الانبياء و المرسلين خص على خاتمهم و اشرفهم الذي قيل في شأنه لولاك لما خلقت الافلاك و على وصيه و خليفته على امير المؤمنين و الائمه المعصومين من ولده بالاخص خاتمهم الذي به الله العرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

از ديرباز تاکنون می خواستم مطالبی را به طور اختصار به ملت شریف و سرافراز تقدیم کنم.

غرض از نوشتن این اوراق، هرگز نخواستہ و نمی خواهم ملت عزیز و صبور را مأیوس و ناامید کرده باشم. اما هرگز نمی توانم چشمم را بر واقعیات ملموس و حقایق محسوس ببندم و شاهد درد نفس گیر و رنج طاقت فرسای مردم باشم. مردمی که گل های فضیلت را پایمال می بینند و افول ارزش ها و زوال معنویت ها را می نگرند.

جمهوری اسلامی که ثمره خون پاک فرزندان غیور ملت سلحشور و مسلمان ایران است و هنوز بسیاری از خانواده ها منتظر جنازه شهید خود هستند، با وعده حکومت عدل علی علیه السلام استقرار یافت تا ملت به نوایی و کشور به جایی برسد و البته ملت سامان نمی پذیرد و ملک اصلاح نمی شود مگر به جمله کوتاه پیامبر گرامی اسلام که می فرماید: صفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدأ امتی. قیل یا رسول الله و من هما؟ قال الفقها و الامراء (خصال جلد 1، صفحه 37) دو دسته از امت هستند که اگر اصلاح شوند، امت من اصلاح می شوند و اگر فاسد شوند، جامعه اسلامی فاسد می شوند. پرسیدند ای پیامبر خدا این دو صنف چه کسانی هستند؟ فرمود: دانشمندان دینی و حاکمان.

اصل جمهوری یعنی جابجایی مرتب و مکرر مدیران کشور و جامعه مدنی یعنی نقد و انتقاد مداوم برنامه های حکومت و انقلاب یعنی تأمین و تضمین خواسته های ملت که مع الاسف امروز واقعیت غیر از اینها است. مصلحت کشور بعید است و آزادی که این سالها هر دو را به مسلخ و مقتل می بینیم. هنگامی که از وعده ها و قول و قرارهای اول انقلاب یاد می آورم، همچون بید بر سر ایمان خویش می لرزم. من عمرم را آفتاب لب بام می بینم، آردم را بیخته و غربالم را آویخته ام، اما از اینکه می شنوم تعدادی از آقازادگان و از ما بهتران که بعضاً خرقة پوش و دستار بند هم هستند، در سبقت از سرمایه و ثروت کشور در راه اهداف خویش با یکدیگر رقابت گذاشته اند، به یاد می آورم که ای بسا خرقة که مستوجب آتش باشد. آنها که اموال مردم را به غارت می برند، آری برای آنان که بیت المال مسلمین را از خود و کشور را ملک طلق و ثروت موروثی خویش می پندارند، عرق شرم می ریزم. ادا اردنا ان نهلك قريه امرنا مترفيا ففسقوا فيها.

آیا این بود آنچه را با مستضعفین پیمان بستیم؟

ایهات و هیئات! هزار وعده خوبان یکی وفا نکند. حقیر که مثل همگان سهم بسیار ناچیزی در انقلاب و تداوم آن داشته ام، خود را مکلف می دانم و از سر غیرت و درد می پرسم تکلیف این همه کاستی و ناراستی و قصور و فتور و فقر و فاقه عصیان و نقصان و تکاثر و تفاخر و زراندوزی و مردم سوزی و تبعیض چیست؟ تاکی برای

مردم تکراری سخن بگوئیم و مرتب کنفرانس و جلسه و میتینگ برگزار کنیم و از قوت لایموت ملت دردمند و محتاج و مستمند، لقمه سفره‌های اشرافی و طاغوتی خود گردانیم و از جیب ملت نجیب به اطرافیان و نورچشمی‌ها حاتم‌بخشی کنیم و هزینه سفرهای سیاسی و خاقانی و قاآخی و تبلیغاتی و بی‌خاصیت خود را بر مردم محروم و به تعبیر حضرت امام طاب ثراه پای برهنه تحمیل کنیم! چه می‌گوییم؟

در برابر این همه انحراف و اجحاف و قانون‌شکنی؟ تغافل و تجاهل و تساهل تا چند؟ اکنون که شاه و آمریکا در این کشور تسلط ندارند که مضایق و معایب و مشکلات را متوجه آنها بدانیم، چرا به انتقادات دلسوزانه گوش نمی‌دهند؟ چرا از استعدادها و مغزها کمتر استفاده می‌کنند. مگر پیامبر مکرم و نبی معظم اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه نفرمود: من اصبح ولا یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم.

مصیبت عظمای دین‌گریزی و سرخوردگی و بیکاری و تورم و گرانی و شکاف جهنمی فقر و غنا و فاصله عمیق و روز افزون طبقاتی و رکود و سقوط درآمد ملی و اقتصاد بیمار و فساد اداری و ضعف شدید مدیریتی و نقص فزاینده ساختار سیاسی کشور و اختلاس و ارتشاء و اعتیاد و عدم چاره‌اندیشی کارآمد تبعات وجیع و فجیعی دارد که همچون سیل بنیان برانداز پشت سد ایستاده و هر لحظه کیان کشور و حیات ملت را تهدید می‌کند. و اتقوا فتنه لاتصییبن الذین ظلمو امنکم خاصه (آتش که گرفت خشک و تر می‌سوزد) لاف زدن و گزاف گفتن و تزویر نمودن و حریم خصوصی افراد را شکستن و تصفیه حساب خصوصی و سیاسی نمودن و آب در شیر کردن و به سخنان کلیشه‌ای دلخوش بودن و از جمعیت‌های خیابانی سان دیدن، تاکنون نتوانسته است از حجم انبوه مشکلات و معضلات بکاهد و افسرده‌ای را با مرهمی بنوازد و یا آبی بر اضطرابی بیفشاند و جامی به تشنه کامی پچشاند و نانی به خسته جانی برساند. عدم تعهد به قانون و حضور نهادهای غیرمدنی نامسئول، باندهای مافیایی و خلع یدمجلس و وجود اهرم‌های مطلقه نامتناهی و مادام‌العمر نامحدود و قدرت‌های بادآورده رویین‌تن غیر پاسخگو و سیاستگذاری‌های خارجی بعضاً ناموفق و بنیادهای مرئی و بنگاه‌های نامرئی غیراقتصادی و تجاری و اسکله‌های غیردولتی نامتعارف و رانت‌خواری و یغماگری و فراری دادن مغزها و بگیر و به‌بندها و حصر و حبس‌های نامألوف و باب شدن چنگیزی و مردم‌ستیزی و قانون‌گریزی و ایزوله کردن ارباب فکر و اندیشه و اسیر کردن منتقدان و ذبح نامطبوع مطبوعات و حبس نامشروع اصحاب نشریات و نظارت جناحی ناصواب و نامعقول استصوابی و دادگاه نامقبول روحانیت و فلج کردن دولت و بافت نامطلوب شورای مصلحت و مردم را هیچ انگاشتن و بر شیپور قدرت دمیدن و کشور را بر بال باد گذاشتن، سرانجامی نامیمون دارد که از نکبت و شقوت آن به خدای بزرگ پناه می‌برم. آنان که بر شتر چموش قدرت سوارند و در میدان سیاست دو اسبه می‌تازند و از نردبان مقدسات و اعتقادات مردم بالا می‌روند و گردآسیاب ریاست می‌چرخند و از پل دین می‌گذرند تا به دنیا برسند متأسفانه مؤید و مشوق عده‌ای چماق به دوش و فرقه‌ای کفن پوش که دندان تمساح خشونت را تند و تیز می‌کنند و می‌خواهند عجزه تندخوی و عفریته زشت روی خشونت را به نکاح دین درآورند و امور مقدس را ملوث جلوه دهند یعنی رجاله‌ها و فاشیست‌هایی که معجونی از جهل و جنونند و بندنافشان به مراکز ثقل قدرت متصل است و مطلق العنان و افسار گسیخته‌اند و نه ملوم معاقب قضا هستند و نه محکوم معاتب قانون. هم فقیه و هم فیلسوف و هم داروغه و هم حاکم و هم مفتی و هم قاضی هستند! فعال‌مایشاء و حاکم ما یرید! ذوب شدگانی که ماست را سیاه می‌بینند! و به تعبیر زیبای قرآن «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضل سعیم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا» بگو ای پیامبر آیا با خبر کنم شما را به کسانی که زیان‌برترین مردمند آنها که عمل خود را تباه کردند در این سرای و گمان می‌برند بهترین مردمند از لحاظ عمل!

شعبان بی‌مخ‌های وحشت و رهبت که با هتاک‌ی و سفاکی ننگ عیف و معیف کوی دانشگاه را آفریدن و با تهاجم حیوانی مرتع دانشگاه را چریدند و با تعرضات شنیع پرده ناموس فرهنگ و علم را دریدند و در قتل‌های زنجیره‌ای مظلومان بی‌گناه و قربانیان بی‌پناه لعنت سرمدی خدا و نفرت ابدی خلق را خریدند. الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و عزتهم الحیوه الدنیا.

همان عمل‌های استبداد و چماقداران قدم به مزد نامهذب مجنون باطل اندیش و ظالم کیش که چهره بین‌المللی نظام را ملوک و وجهه اسلامی انقلاب را مهتوک نمودند. اولئك الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعو اهلوائهم و عجب اینکه در آن دادگاه حق سوز عدالت کش به آن بردگان مفلوک دست مریزاد نیز گفتند و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون.

من در این سرایشی عمرم که صدای هولناک خطوات مرگ را می‌شنوم و صاعقه مهیب تجهیزا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل را استماع می‌کنم و مشتاقانه لقاء حق تعالی و وصال اجداد طاهرینم را انتظار می‌کشم. موضوعی را که باید در صدر مطالبم به رشته تحریر می‌کشیدم مطرح می‌کنم و می‌پرسم حصر فقیهی وزین و مجاهدی نستوه و مرجعی مبارز که ثانی اثنین انقلاب و از اساطین نظام و اوتاد حوزه و اعظم فقه و افاحم کشور است با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیه است؟ سوابق مستحسن و مدارج علمی چه فقیه و مرجعی همسنگ حضرت آیت‌الله منتظری مدظله است؟

معظم‌له نیمی از حوزه است و حوزه نیمی از اسلام و براین شناخت بود که رهبر فقید و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی قدس سره القدوسی گرما بخشیدن به نظام و حوزه را به ایشان توصیه فرمودند. فاجعه نامسبوق و نامسموع حصر ارتجاعی و غیرانسانی مجتهدی چون ایشان عاقبتی شوم و نتیجه‌ای مشنوم و پایانی مذموم دارد. الملك یتقی مع الکفر و لایبقى مع الظلم.

عزت و حرمت و عظمت حریم مرجعیت معظم شیعه حتی در سیاه‌ترین حکومت و فرعون‌ترین رژیم نیز استوار و پایدار و برقرار بوده است. حوزه‌های نفوذناپذیر علمیه همیشه کف‌آمین مردم و مراجع عظام تقلید علی‌الدوام حبل‌المتین ملت و روحانیت اصیل پیوسته حصن حصین کشور و منهاج حقیقت و منوار فضیلت بوده‌اند و حیات و ممات همه فقها از کلینی تا خمینی شاهد این مدعا است.

آه آه! شوقا الی رویته و اسفا که امروز شاهد حبوط روحانیت و سقوط مرجعیت هستیم! دریغ و درد که دژ مستحکم و نفوذناپذیر مرجعیت شیعه به دست غوغائیان معرکه سیاست و بازیگران صحنه ریاست به سود استعمار ضربه ای جانکاه خورد و الی‌الله المشتکی.

انشاءالله ملت شریف کاستی‌ها و قصوری را که احیاناً مشاهده فرمودند به حساب کھولت سن از ضعف جسمانی این پیر ارادتمند که مدام دعاگوی ملت و کشور است، بگذارند.

حقیر حدود سی سال پیش در نجف اشرف با کسب اجازه از محضر مبارک حضرت امام، رهبر کبیر انقلاب به اقامه نماز جمعه در اصفهان مجاز شدم ولی با کمال تأسف در شرایط موجود از امامت جمعه کنار می‌روم الفرار ممالایطاق من سنن المرسلین.

در پایان برادران و خواهران بزرگوارم را به صبر و هوشیاری و متانت اکیداً توصیه می‌کنم و ملت و کشور مظلوم را به صاحب اصلی ولایت مولانا و صاحبنا حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه می‌سپارم و دست همه طبقات را به رسم وفا و صفا می‌فشارم.

ای خداوند قسط و آزادی و ای پروردگار عدالت و آگاهی و ای آفریدگار قلم و اندیشه، بر کویر تفتیده و مزرعه خشکیده ما بیش از این آب شعور و باران نور بیار و رحمت واسعه خود را از این ملت بزرگ دریغ مدار. اللهم اظهر كلمه الحق و اجعلها العليا و ادحض كلمه الباطل و اجعلها السفلى انك على كل شى قدير و بالاجابه جدير اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه و آله و غيبته ولينا و كثره عدونا و قله عددنا و شده الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا فصل على محمد و اله و اعينا على ذلك بفتح منك تعجله و بضر تكشفه و نصر تعزه و سلطان حق تظهره و رحمه منك تجللناها و عافيه منك قلبناها برحمتك يا ارحم الراحمين

اصفهان؛ سید جلال الدین طاهری

17 تیر سال 1381، 26 ربیع‌الثانی 1423